

علوم سیاسی

بازار و دولت در ایران

سیاست در بازار تهران

آرنگ کشاورزیان

ترجمه محسن محمودی



بازار و دولت در ایران / ناشر: انتشارات دنیای اقتصاد / مولف: آرتنگ کشاورزبان / مترجم: محسن محمودی / ویراستار: جواد قربانی آتانی / مدیر هنری و طراح جلد: حسن کریمزاده / صفحه آرا: مریم فتاحی / مدیر تولید: انوشه صادقی آزاد / نوبت چاپ: اول-۱۳۹۸ / شمارگان: ۵۰۰ نسخه / شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۹۱-۳۳-۷ / چاپ: پردیس / تمام حقوق این اثر محفوظ و متعلق به نشر دنیای اقتصاد است / نشانی: تهران، خیابان قائم مقام فراهانی، ضلع شمال غربی میدان شمع، شماره ۱۰۸ / تلفن: ۸۷۷۶۲۷۴۷ / پست الکترونیک: book@den.ir / پایگاه اینترنتی: book.den.ir

مقدمه مترجم	۹
سیاس و قدردانی	۱۳
فصل ۱	
معمای بازار تهران در دوران سلطنت پهلوی‌ها و جمهوری اسلامی	۱۷
استمرار، انقلاب و روابط حکومت-جامعه	۲۰
مطالعه حکومت‌های دگرگون‌ساز	۲۸
چه چیز از زاویه دید حکومت فراتر است؟	۳۱
آنجا که گروه‌هایی بیرون از چشم‌انداز دولت قرار دارند حکمرانی چگونه شکل می‌گیرد؟	۳۳
دگرگونی در اشکال حکمرانی	۳۵
استدلال	۴۰
شبکه‌ها به‌مثابه سازوکارهای علی	۴۵
طرح پژوهش و روش	۴۷
چرا بازار تهران؟	۴۷
زمان‌مندی: تحلیل هم‌زمان و تحلیل در زمانی یا ادواری	۴۹
جمع‌آوری داده‌ها	۵۲
پیوست: روش‌های جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات	۵۵
مصاحبه‌ها	۵۵
مشاهده توأم با مشارکت	۶۰
منابع دست اول و دست دوم	۶۵
منابع فصل اول	۶۷
فصل ۲	
مفهوم بازار	۷۳
تاریخچه مختصری از بازار تهران	۷۶

چهار مفهوم بازار	۸۱
بازار به مثابه الگویی سنتی	۸۱
نکته‌ای درباره بازنمایی‌های فرهنگی بازار	۸۷
بازار به‌عنوان یک طبقه اجتماعی	۹۳
بازار به‌عنوان اقتصاد غیررسمی	۹۷
اقتصاد بازار به‌عنوان محصول کمبود اطلاعات	۹۹
بازار تهران به‌عنوان یک شبکه درهم‌تنیده	۱۰۳
فراسوی بازار و اقتصاد اخلاقی	۱۰۴
بازار به‌مثابه شبکه	۱۱۰
نتیجه‌گیری	۱۱۳
منابع فصل دوم	۱۱۵

فصل ۳

تحولات بازار: شبکه، اعتبار و انسجام	۱۲۱
سلسله‌مراتب همکاری‌جویانه بازار پیش از انقلاب	۱۲۴
نقش‌ها و روابط پایدار در زنجیره ارزش	۱۲۵
افزایش اعتبار، روابط و شهرت در سراسر بازار	۱۳۴
روابط اجتماعی متعدد و متقابل	۱۴۱
سلسله‌مراتب اجباری بازار پس از انقلاب	۱۵۲
تغییر عضویت در بازار تهران	۱۵۳
عواقب ناشی از روابط سیال تجاری و قاچاق	۱۵۹
شبکه‌های اجتماعی ناهمگن	۱۶۷
اعتبار و همبستگی	۱۷۴
کسب و حفظ اعتبار	۱۷۴
اعتبار، نابرابری و همبستگی	۱۸۰
نتیجه‌گیری	۱۸۲
منابع فصل سوم	۱۸۵

فصل ۴

شبکه‌ها در بستر برنامه‌های تحول‌آفرین	۱۹۳
رژیم پهلوی و بازار تهران	۱۹۵
مدرنیسم متعالی به‌عنوان برنامه‌ای تحول‌آفرین	۱۹۵
جایگزینی بازارهای سنتی	۱۹۹
خودگردانی بازار تهران	۲۰۲
سیاست‌های اقتصادی و خودگردانی بازار	۲۰۶
تمرکز مکانی و یکپارچه‌سازی شبکه‌های بازار	۲۰۹
انقلاب اسلامی و بازار تهران	۲۱۳
پوپولیسم اسلامی: عمل‌گرایی رژیم انقلابی	۲۱۵
حمایت: راه‌حلی برای معضل بازار جمهوری اسلامی	۲۲۱

یکپارچه‌سازی دولتی	۲۲۶
شیوه‌های یکپارچه‌سازی	۲۳۱
واکنش بازار: اجتناب از محیط نهادی	۲۴۱
جایجایی بازار	۲۴۹
جایجایی به واسطه سیاست‌ها	۲۵۳
نتیجه‌گیری	۲۵۹
منابع فصل چهارم	۲۶۱

فصل ۵

فرش، چای و فنجان: انواع کالاها و مسیرهای عبور بخشی بازار فرش	۲۷۱
بازار فرش	۲۷۳
کسب اطلاعات از طریق سلسله‌مراتب همکاری‌جویانه	۲۷۶
بخش فرش در اقتصاد سیاسی ایران	۲۸۲
روابط در بازار فرش پس از انقلاب	۲۹۱
بازار چای	۲۹۵
چای و دولت	۲۹۷
جمع‌بندی	۳۰۴
بازار چینی و بلور	۳۰۵
مقایسه و نتیجه‌گیری	۳۱۲
نظارت دولت	۳۱۸
منابع فصل پنجم	۳۲۱

فصل ۶

شبکه‌های بسیج در دو نظام سیاسی	۳۲۵
جنبش‌های اجتماعی و اتحاد مسجد-بازار	۳۲۸
بسیج بازار با و بدون روحانیت	۳۳۱
نهضت تنباکو (۱۲۶۹-۷۱) و انقلاب مشروطه (۱۲۸۴-۹۰)	۳۳۲
نهضت ملی شدن صنعت نفت (۱۳۳۰-۳۲)	۳۳۴
اعتراضات علیه انقلاب سفید (۱۹۶۳)	۳۳۶
انقلاب اسلامی (۱۳۵۶-۵۷)	۳۳۹
۱۳۵۴: شرایط انقلابی، اما بدون نتیجه‌ای انقلابی	۳۴۶
تاملاتی درباره اتحاد مسجد-بازار	۳۴۷
تبدیل نارضایتی‌ها و منافع به بسیج	۳۵۵
سلسله‌مراتب صنفی به‌عنوان مبنایی برای کنش جمعی	۳۶۱
سلسله‌مراتب اجباری به‌منابه منبع تقدیرباوری	۳۶۴
نتیجه‌گیری	۳۶۹
منابع فصل ششم	۳۷۱

نتیجه‌گیری

نکاتی درباره بازار تهران و حکومت ایران	۳۸۴
--	-----

آیا انقلاب اسلامی یک انقلاب اجتماعی بود؟	۳۹۰
منابع نتیجه گیری	۳۹۴
نمایه	۳۹۵
گزیده کتاب شناسی	۳۹۹

مقدمه مترجم

بازار تهران همواره محور اقتصاد ایران و در واقع تجربه شهری ایرانی بوده است. کتاب ژرف‌بینانه و درون‌کاوانه آرنگ کشاورزیان به مقایسه اقتصاد و سیاست بازار در سپهر دو حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی می‌پردازد؛ حکومتی که با انگیزه مدرنیزاسیون در صدد تضعیف بازار بود و نظامی که با وعده محافظت از بازارها به منزله نهادهایی «اسلامی» به قدرت رسید. نتایج سیاست‌های خاص این دو نظام سیاسی در نهایت با مقاصدشان کاملاً متفاوت از کار درآمد. علی‌رغم رویکرد خصمانه شاه، بازار در لوای حکومت او رونق یافت و خودمختاری نهادی خود را تا اندازه‌ای حفظ کرد که در انقلاب اسلامی نقشی پررنگ ایفا کرد. برعکس، انقلاب اسلامی سیاست‌هایی را پیاده ساخت که سهواً شیوه‌های عمل بازار را دگرگون کرد و در نتیجه، قابلیت آن برای بسیج سیاسی را تحلیل برد. بنابراین کتاب حاضر آرا و افکار جدیدی پیرامون سیاست، اقتصاد و جامعه ایران در خلال چهار دهه گذشته را پیش روی خواننده می‌گذارد.

بازار و دولت در ایران شبیه یک داستان است و استادانه از مطالعه اقتصاد و سیاست در ایران معاصر سخن می‌گوید. این کتاب با قرار دادن بازار تهران در کانون توجه خود، خواننده را به مطالعه دقیق و درگیرانه اندیشمندان اجتماعی علاقه‌مند به خاورمیانه و تأثیرات مدرنیته بر بازار ترغیب می‌کند. این امر

بسیار قابل ملاحظه است، چرا که ورای علوم سیاسی، برای انسان‌شناس‌ها، جامعه‌شناس‌ها، اقتصاددان‌ها و تاریخ‌دان‌ها هم جاذبه زیادی دارد. آرنگ کشاورزین مطالعه خود را به شیوه‌ای بسیار آسان‌فهم و تفکربرانگیز طرح کرده است. کتاب کمک شایانی به مطالعه بازارها می‌کند و برای درک ایران معاصر رویکردی الگویی را ترسیم می‌کند. بازار و دولت در ایران به مناظرات، ایدئولوژی‌ها و میراث سیاسی و اجتماعی که از دهه ۱۹۶۰ اقتصاد ایران را جان بخشیده و شکل داده، نگاهی عمیق می‌افکند.

کتاب حاضر از دو زاویه واجد اهمیت به‌سزایی است: نخست، دیدگاهی متنوع درباره چگونگی کارکرد بازار تهران ارائه می‌دهد و دوم، بازنمایی چگونگی مطالعه این فضاها را اجتماعی را عرضه می‌کند. در ایران، بازارها از «سنگ بنای» هر شهر بودن و «نبض تپنده شهر»، به قرار گرفتن در سازوکارهای مدرن اقتصادی ملی و جهانی تحول یافته‌اند. بر مبنای شرق‌شناسی ادوارد سعید، می‌توان چنین استدلال کرد که بازار از چشم‌اندازی یادآور فضایی اساساً «شرقی»، درهم برهم، غیرعقلایی و بیگانه قابل شناسایی است. همان‌طور که کشاورزین اشاره می‌کند، بازار «مفهومی است که از آن می‌توان برای ترسیم یک مکان، یک اقتصاد، یک شیوه زندگی و یک طبقه یا حتی تجسم ایران، خاورمیانه یا جهان اسلام بهره گرفت.» پژوهشگران معاصر دل‌مشغول مسائلی مانند اسلام و مدرنیته، طبعاً دلواپس بازار به‌عنوان نوعی نماد و مظهر خاورمیانه در تصور اروپایی هستند. در ادبیات ایران بازار نوستالژیک و سنتی تصویر شده است. نویسنده پیرامون زمان و مکانی که هم در تصور و هم تجربیات زنده آنانی که بازار را توصیف و تعریف کرده‌اند و پیوسته حد و حدود پویای آن را ترسیم و بازترسیم می‌کنند، از دقت و حساسیت زیادی برخوردار است.

بازار و دولت در ایران از اساس بر بازیگرانی اجتماعی تمرکز می‌کند که بخش و قطعه‌ای از این نهادند. کشاورزین به واسطه تحلیل متنی و کار میدانی مردم‌شناسانه خرد در بازار، با زحمت و دقت بسیار تصویری پیچیده و چندلایه از طرف‌های صحبت خود را که شهروندان دو نظام بسیار متفاوت و متمایز

بوده‌اند ترسیم می‌کند. با این حال، کشاورزبان انقلاب اسلامی را انشعاب و گسستی در تاریخ بازار قلمداد نمی‌کند. در عوض، ماهرانه رد تغییر و تحولات این فضای اجتماعی را بدون تمرکز بر پایداری‌های هویتی که با مطالعه ایران پیش و پس از انقلاب به دست می‌آید، دنبال می‌کند. نقطه قوت و تازگی تحلیل کشاورزبان از درگیری پیوسته با بازار به منزله نظامی از شبکه‌هایی متقاطع جامعه ایرانی ناشی می‌شود. این رویکرد، دیدگاهی از بازار ارائه می‌کند که از فضای عینی که اشغال می‌کند فراتر می‌رود. علاوه بر این، کشاورزبان نه تنها کارکرد درونی این شبکه‌های اقتصادی را مستند می‌کند بلکه همچنین به بررسی روابط بین کارگزاران حکومتی و بازیگران غیرحکومتی که نمای این جهت‌های اقتصادی را شکل می‌دهند، می‌پردازد.

از چشم‌انداز جهانی شدن و نهضت‌های اقتصاد خرد، بازار محلی دیگر نهاد تجاری مهمی در نظر گرفته نمی‌شود و دیگر مرکز ترانزیت فعالیت‌های تجاری نیست. بازار در وهله نخست «ستی» و در نقطه مقابل فعالیت‌های تجاری «مدرن» فضاهای شهری از قبیل پاساژها، بازارچه‌ها و مجتمع‌های تجاری است. بنابراین، از چشم‌اندازی مدرن بازار محل اقتصادی نامرتبیطی تصویر می‌شود. بازار و دولت در ایران از دسته‌بندی‌های آزموده و امتحان‌شده «مدرن» و «ستی» که بازار را فضایی ثابت تجسم می‌کند تا نقش بااهمیت آن در محیط سیاسی و فرهنگی ایران را تصویر کند، گام فراتر می‌نهد. هر یک از شش فصل کتاب و نتیجه‌گیری دانش خواننده درباره بازار را تعریف و بازتعریف می‌کنند.

فصل‌های ۱ و ۲ به تعریف و صورت‌بندی مفهوم بازار در چارچوب ایدئولوژیک و نظری اقتصادهای خاورمیانه‌ای و بازارها در کلیت آن می‌پردازد. فصل ۳ و ۴ ترسیمی ظریف و تاریخی ارائه می‌کنند که بازارها چگونه شبکه‌هایی با «برنامه‌های تحول‌آفرین» هستند. فصل ۵ مطالعات قومیت‌شناختی غنی از سه کالا (فرش، چای و بلور) در اختیار می‌نهد. نهایتاً، فصل ۶ از معمای روابط بازار-دولت و بازار-مسجد پرده برمی‌دارد که به‌عنوان متحدانی پذیرفته شده‌اند که بدون اینکه هرگز به چنین شیوه توصیفی بسط و تحلیل شده باشند،

سیاست ایران را تغییر داده‌اند. تمرکز این فصل مهم و پایانی، سازمان‌دهی بازارهاست که به آنان این امکان را می‌دهد تا در قالب اشکالی از اعتراض سیاسی علیه سیاست‌های دولت عمل کنند. آنچه باید بیش از پیش روشن شود، تفاوت‌های پیچیده و با این حال تعیین‌کننده میان اعتراضات سیاسی و اجتماعی سازمان‌دهی شده در بازار است.

کتاب آرنگ کشاورزیان اثری معیار در مطالعه جامعه ایرانی است. از دریچه بازار تهران، تحلیلی دقیق از روابط اجتماعی در ایران معاصر پیش رویمان نهاده می‌شود. بازار و دولت در ایران نظری به زندگی روزمره شهروندان ایرانی و ذهنیت‌های آنها از خلال تعاملاتشان با یکدیگر، دولت و طبقه روحانی عرضه می‌کند. این کتاب هوشمندانه استفاده مبتکرانه از منابع را مطرح و الگوسازی می‌کند؛ کشاورزیان از منابع و ادبیات بازار بهره می‌گیرد و نخستین پژوهشگری است که روی این موضوع کار می‌کند تا ادبیات تولیدی خود بازاری‌ها را درهم آمیزد. این کتاب بی‌نظیر منبع تکمیلی بسیار مهمی برای کلاس‌های درس و سمینارهای دانشجویی خواهد بود و نقش مرجع راهنمای عمومی در مطالعه جامعه، اقتصاد و سیاست ایرانی را ایفا خواهد کرد.

ترجمه این کتاب را مدیون دوست فرزانه و روشن‌اندیشم، دکتر محمود مقدس، هستم که همدلانه و با همت بسیار کتاب را بازخوانی کردند.

محسن محمودی

بهار ۱۳۹۵

سیاس و قدردانی

«دکتر، بازار خودش یک جور دانشگاه است»، یکی از بازاری‌ها در حین اینکه زیر و بم کسب و کارش را توضیح می‌داد، این را جمله را بیان کرد. من پاسخ دادم، «خب، پس من دانشجوییم و شما استاد.» می‌خواهم سیاس و حق‌شناسی عمیقم را نثار «استادان بازاری» خود کنم که از رهگذر بیان تجربیات، ترس‌ها، تردیدها، انتقادات، خاطرات و آمال و آرزوهایشان به من بسیار آموختند. از آنجا که عهد بسته‌ام گفتگوهایمان پوشیده بماند، از ذکر نام آنها معذورم. بسیاری‌شان مهمان‌نواز، رک و به مرور زمان اهل اعتماد بودند. این پروژه بدون مشارکت دانشورانه و صبر و حوصله بی‌مثال آنها ممکن نمی‌شد. حمایت و راهنمایی کمیته رساله‌ام، «استادان دانشگاه»، نیز به همان اندازه حیاتی و بااهمیت بود. دلگرمی، شکیبایی و نظرات خردمندانه نانسی برمئو در تمامی مراحل مطالعات تکمیلی‌ام بسیار ذی‌قیمت بوده است. بسان بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم سیاسی دانشگاه پرینستون قدردان بهره‌مندی از چنین مشاور انگیزش‌بخش و محترمانه‌ای هستم. اتول کولی و ایرا کاتزنلسون در ارزیابی دوباره و اصلاح تفکراتم در مراحل مختلف این پروژه همواره مرا به گونه‌ای یاری کردند که من را به چالش کشید تا به تامل در باب دغدغه‌های اساسی این پروژه و مسائل تحلیلی بنیادی مطالعه سیاست پردازم. می‌خواهم از حمایت بسیار مهم چند نفر دیگر سپاسگزاری کنم که در

شکل‌گیری پژوهش و تحلیل‌مرا یاری کردند و بخش‌ها یا تمامی روایات مختلف این دست‌نویست را خوانده‌اند. یرواند آبراهامیان، احمد اشرف، آصف بیات، کیت دونو، ایس گلدبرگ، اریک کوهانتا، چارلز کورتزمن، ایوان لیبرمن، مازیار لطفیان، تامیر مصطفی، وحید نوشیروانی، میثاق پارسا، سترگ مانوکیان، نغمه سهرابی و دبرا یاشار از این جمله‌اند. می‌خواهم به‌طور ویژه از هما هودفر برای حمایت معنوی و روی گشاده‌اش و آنتونی هیلتون در مونترال تشکر کنم. دو تن از منتقدان ناشناس نظرات و پیشنهادات تیزبینانه‌ای ارائه کردند که کوشیده‌ام به آنها پرداخته و در آخر ضمیمه کتاب کنم.

سپاسگزار افراد بسیاری هستم که در جمع‌آوری اطلاعات و منابع و به اشتراک‌گذاری دیدگاه‌هایشان درباره سیاست و جامعه ایران یاری‌ام کردند. اعظم خاتم و کاوه احسانی دانش عمیق و پژوهش اصیل خود در باب ایران را در اختیارم گذاردند. هادی سمتی، بیژن افسر کشمیری و سیاوش مریدی مهربانانه مرا راهنمایی کردند و زمانی که در ایران بودم، تحلیل‌های ارزشمندی ارائه کردند. می‌خواهم از نازنین شاه‌رکنی برای یاری جدی و فعالانه‌اش در خصوص بسیاری از جنبه‌های پژوهش، از جمله جمع‌آوری برخی داده‌های بسیار مهم تشکر کنم. می‌خواهم از سیامک نمازی برای در اختیار گذاردن دانش و اطلاعات خود درباره اقتصاد ایران سپاسگزاری کنم. کتابدارهای دانشکده علوم اجتماعی، هنر و حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی، شرکت فرش ایران، دفتر روابط عمومی سازمان چای دولتی و دیگر نهادهای پژوهشی همگی بسیار راهگشا و مثمر ثمر واقع شدند. فریبا عادل‌خواه، محمدرضا آشوری، رضا آذری، عباس بلورفروشان، محمد اسکندری، رامین کریمی‌ان، علی‌رضا کریمی شیرازنیا، محمد مالجو، محمد مسینی، محمد معینی، جیم مویر، جهانبخش نورایی، سعاد پیرا، فاطمه پیرا، علی رضایی، احمد تابش و کیان تاجبخش همگی سخاوتمندانه مرا در غلبه بر دشواری‌های حوزه پژوهش یاری کرده و شناخت لازم برای پیشبرد این پروژه را در اختیارم نهادند. در کتابخانه فایرستون دانشگاه پرینستون، خانم آذر اشرف ماهرانه و مشتاقانه مرا

در منابع کتابخانه راهنمایی کردند. کتیون خلدی حقیقی دستیار پژوهشی با پشتکار و جدی بود که تهیه نسخه دست‌نویس را به طرز شگرفی لذت‌بخش ساخت. دومینک پرویز بروکشا با صبر و شوخ‌طبعی وافر به پرسش‌ها درباره حرف‌نویسی پاسخ داد. به خاطر یاری مایکل براون، آدریان دومیترو و هتر فاسل در کمک پژوهشی و ویرایشی‌شان عمیقاً قدردان آنها هستم. برنامه کمک‌هزینه تحصیلی بین‌المللی پیش‌ارساله شورای پژوهشی علوم اجتماعی مراحل مختلف این پروژه را سخاوتمندانه حمایت کرد. از جان فیسن و ویجی مورالیدهار، همکارانم در دانشکده علوم سیاسی دانشگاه کنکور دیا، برای راهنمایی و حمایت کارشناسانه‌شان در آماده‌سازی این کتاب برای انتشار تشکر می‌کنم.

این سعادت را داشته‌ام تا مشقات و لذات دانشجوی دکتری بودن را با آدام بکر، اسون واهسن و یوئن - گن لیانگ در میان گذارم. باور دارم که این کتاب نتیجه سخاوت فکری و دوستی ایشان است. از نعمت مصاحبت و گفتگو با نرگس ارمی یا آنچه شاید خود «سخنرانی بازار» بنامد، بهره برده‌ام. او با لطف فراوان دانش بی‌همتای خود درباره قم، بازار آن و تولیدکنندگان فرش را با من در میان نهاد؛ بی‌صبرانه چشم‌انتظار خواندن کتاب او هستم.

لاله خرمیان نقشه‌ها را کشید، افکار خامم را شنید و آنان را پروراند و به انتظارم نشست تا از کتابخانه‌ها و سفرهای پژوهشی بازگردم، اما با اهمیت و علاقه وافر همه این کارها (و بیش از این حرف‌ها) را انجام داد. مطمئنم وقتی این سطور را می‌خواند، بهبودی کامل یافته و برای سفر به سرتاسر دنیا و پایکوبی تا حد توان برنامه می‌چیند. امیدم چنان است که در آینده فرصت‌های بی‌شماری یابم تا قدردانی و عشقم را به او ابراز دارم.

من جوان‌تر از آن بودم که تمایز بین اهداف و نتایج وقایع پیرامونی انقلاب سال ۱۹۷۹ را درک کنم، مسئله‌ای که به اعتقادم برای درک ایران و سیاست آن کشور به طور کلی بسیار ضروری‌اند؛ در عوض در اوایل دهه ۱۹۸۰، بازی فوتبال درک من از این مسئله را بدوا شکل داد. در سال ۱۹۸۲ ناگاه متوجه شدم که تمرکز بر نتیجه (فینال بین ایتالیا و آلمان) مرا از کل ماجرا غافل می‌کند،

ماجرایی که می‌تواند بسیار عمیق‌تر باشد. تیم‌های پرافتخار فرانسوی و برزیلی جام جهانی برایم مثال‌هایی بی‌نظیر از این مسئله باقی مانده‌اند که چگونه فوتبال را می‌توان و باید بازی کرد، اما همچنین درسی شد که اگر توجهم را بیش از حد موشکافانه بر نتایج متمرکز سازم، تا حد زیادی از اصل ماجرا مغفول خواهم ماند. خوشبختانه، در این هنگام متوجه شدم که رویاهایم برای شکست شیاطین سرخ و زیر و رو کردن آرسنال خسته‌کننده، احتمالاتی امکان‌پذیرند. با تماشای بازی تیم‌های مسحورکننده لیورپول و تاتنهام دریافتم که گاهی رویاها می‌توانند حکم پیروزی داشته باشند و بسان جام‌ها پاس داشته شوند.

غزل کشاورزبان ویراستاری صبور و فهیم، مفسری حامی و دغدغه‌مند، دوستی عزیز و خواهری سخاوتمند بوده است. خانواده و خویشاوندانم در سراسر پهنه گیتی مرا یاری کردند تا پژوهشم را انجام دهم و درب خانه‌هایشان را به رویم گشودند. هنگامه و افسانه کشاورزبان، کاوه و سارا نیلی، بهارک و یاسمن زربافیان و مجید زربافیان و کامران نیلی اقامت در ایران را لذت‌بخش و فراموش‌ناشدنی ساختند. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایم -آنی و مامان اشی و بابا و مادر- همگی به شیوه‌های منحصربه‌فرد خود تأثیرگذار، قدرتمند و با محبت بوده‌اند؛ بسیار سپاسگزارم که با آنها درباره بسیاری از مسائل این کتاب صحبت کرده‌ام (حتی اگر نه من و نه آنها همیشه متوجه شده باشند که چه اتفاقی افتاده است). فهمیه آزادی و علی کشاورزبان در عین اینکه مرا تشویق کرده‌اند تا پرسشگر باشم و علایقم را دنبال کنم، والدینی ستودنی و دوست‌داشتنی بوده‌اند. این کتاب به‌عنوان نشانه‌ای ناچیز از احترام خالصانه و عشق و علاقه عمیقم به والدینم تقدیم آنان شده است.